



افشین میرعبداله لواسانی
کارشناسی ارشد مردم‌شناسی

نگرشی بر جادو و جادوگری در مردم‌شناسی

چندان نمایند، دشمنان شما را نابود کنند، بیماری لاعلاجتان را شفا بخشد و شما یا بسیاری از افراد در مواردی، اسیر اعتماد به نفس و نگاه با نفوذ آنها می شوید و... پس این مطلب را حتماً مطالعه کنید.

افرادی با کتاب ها و لوازمی به ظاهر غریب، به شما مراجعه می کنند و با کمی اطلاعات در مورد گذشته تان، اعلام می دارند توانایی دارند از خیانت همسر تان جلوگیری نموده یا محبت او را دو

جادوگر با دود کردن سیگار بر این باور است که ابرها را به سمت خود می کشاند.

موضوع جادو روان کاوان را نیز شیفته‌ی خود ساخته است. فروید طرح تطوری پیشنهادی فریزر را از سر می گیرد. مطابق این طرح، تمامی جوامع از مراحل جادو، دین و علم به ترتیب گذر کرده‌اند.

وی این مراحل را با روند سه‌گانه‌ی لیپیدو که در جریان رشد فرد اتفاق می افتد، به موازات هم قرار می دهد. این سه مرحله عبارتند از: خودشیفتگی، کشف دیگری، سازگاری با جهان واقع.

مردم‌شناسان در تازه‌ترین تفاسیر خود درباره‌ی جادو به جنبه‌ی مثبت آن بیشتر بها می دهند. جوامع ابتدایی در تلاش‌های خود برای به کنترل درآوردن پدیده‌های طبیعی به کشف فنونی سودمند (به ویژه در زمینه‌ی گیاهان دارویی) که در اختیار جادوگران است، نایل آمده‌اند.

اما باید توجه داشت که قدرت بزرگی که جادوگر خود را از آن برخوردار می بیند، نه قدرتی دلخواه است و نه نامحدود. او تنها قادر است آن قدرت را در صورت انطباق کامل و دقیق خود با ضوابط هنر خویش به انجام رساند، هنری که می توان آن را هنر قوانین طبیعت به گونه‌ای که او آن را درک می کند، دانست. بی توجهی به این ضوابط با زیر پا گذاشتن آنها در کوچک‌ترین حدی، جادوگر ناماهر را با شکست و با بزرگ‌ترین خطرات روبه‌رو می کند.

اگر جادوگر ادعا می کند بر طبیعت سلطه دارد، این صرفاً سلطه‌ای قانونی است که گستره‌ای محدود دارد و در چارچوب مشخص روش‌های باستانی قرار می گیرد. بنابراین، می بینیم که میان درک جادویی و درک علمی از جهان، نزدیکی زیادی وجود دارد. همه‌ی بوالهوس‌های، اتفاق‌ها و حوادث، خارج از حوزه‌ی این درک از طبیعت قرار می گیرد. هر دو این درک‌ها، ظاهراً برای کسانی که به دلایل درونی کارکرد این دستگاه بزرگ و پیچیده که ما جهان می نامیم، آشنا باشند، توانایی‌هایی بی حد و مرز قابل اند و به همین دلیل نیز

وابسته می کند در حالی که دین هر گونه تغییری را در جریان حوادث بسته به اراده‌ی خداوند می داند.

در میان مردم ساکن در سرزمین کهن ایران همزمان با دوران دهنشینی حتماً نوعی عقیده به جادوی خوش خیم وجود داشته است، که در اثر ساختن پیکرک‌ها و نقاشی بر روی اشیاء، همراه با آن حاصلخیزی و ثروت رو به فزونی می گذاشته است. بنابراین هنر عامل توانایی بود که بر طبیعت، انسان و شاید هم پندار مذهبی رایج اعمال نفوذ می کرد.

همه‌ی انسان‌شناسان بر سر تعریف جادو اتفاق نظر دارند. جادو نوعی فن و مهارت است که نیروی فوق طبیعی غالباً مخوف را برای تامین منافع گروه به استخدام خود می گیرد. جادو همواره دارای هدفی ملموس است. بهبود بیماری، تغییر آب و هوا، کسب روحیه‌ای شکست‌ناپذیر توسط فرد جنگنده و غیره.

برخلاف مناسک دینی که بخشی از زندگی اجتماعی هستند و یکپارچگی آن را تضمین می کنند، مناسک جادویی خصلتی حاشیه‌ای دارند. ساحران و جادوگران به منفورترین اعمال (قتل، محرم‌آمیزی، تجاوز به حریم تابو)، مشمئزکننده‌ترین مواد (مدفوع، انواع زباله) و اشیاء و موقعیت‌های بس کمیاب متوسل می شوند. همین جست‌وجو، چیزی استثنایی و خلاف عرف است که به جادو ویژگی تاثیرگذار می بخشد.

بنابراین نمی توان نیایش، کرنش مخلصانه در برابر قوه‌ی الهی را بر خلاف شباهت‌های ظاهری با وردخوانی جادویی که سعی در تحریک نیروی فوق طبیعی از طریق کنترل تاثیرات آن دارد یکی گرفت. در بین سرخ‌پوستان زونی آمریکای مرکزی،

مقوله جادو در زندگی بشر دارای قدمتی بس کهن می باشد. انسان در پی شناخت مجهولات هستی و دستیابی به ناشناخته‌ها همواره در تلاش و کوشش مستمر و پیگیر بوده است. چگونگی دستیابی آسان، سریع، بی‌تعقل و بی‌دغدغه به خواسته‌های نامتناهی و دست‌نیافتنی بشر او را متمایل به جادو و جادوگری نموده است.

واژه سحر به معنای منصرف کردن و دور ساختن است یا حق جلوه دادن باطل، یا نیرنگ‌هایی که آدمی به کار می بندد، یا آنچه در رابطه‌ی نزدیک با شیطان مورد استفاده قرار می گیرد و آدمی به تنهایی از عهده‌ی آن بر نمی آید.

معنای جادو در زبان لاتین (Magia)، است که آتش یا ستاره را می پرستیدند و معتقد بودند که در جان تاثیر می گذارد و نیکی و بدی و خوشبختی و بدبختی از آنها سرچشمه می گیرد.

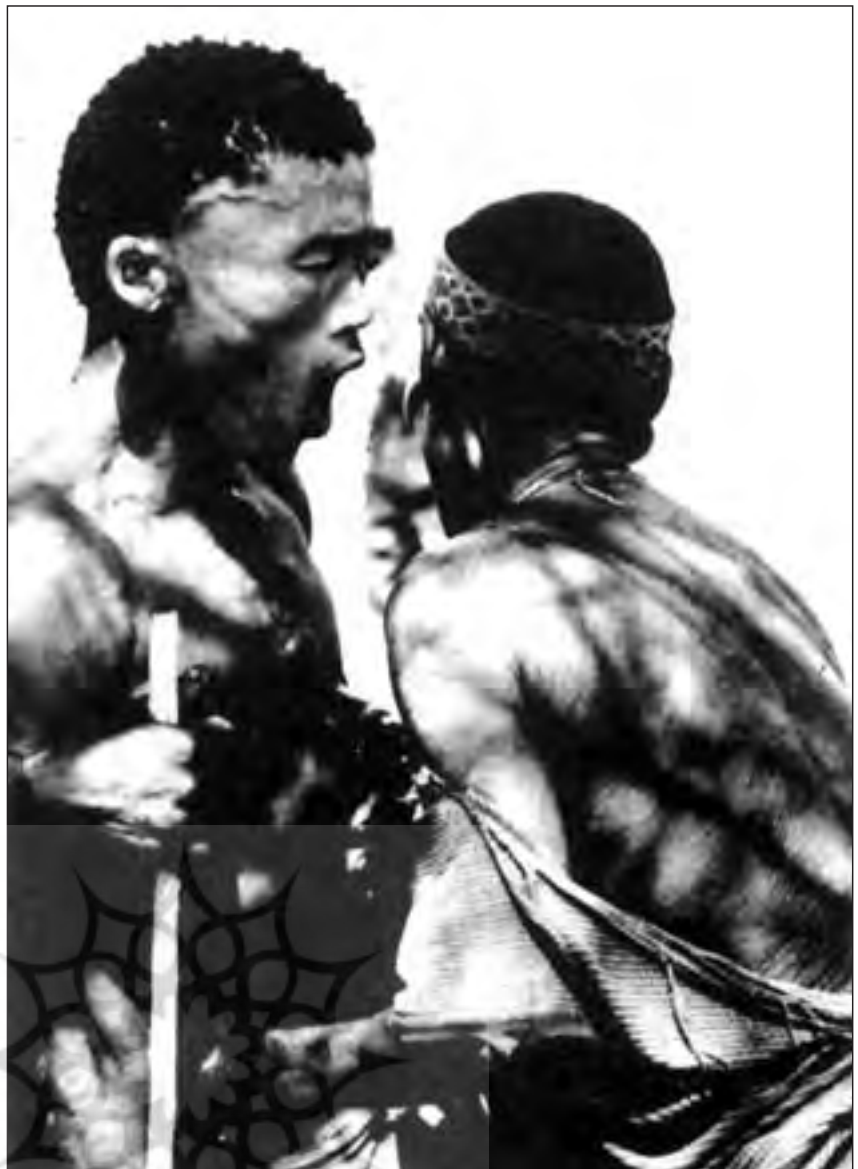
بعدها این واژه در مورد افعال و حالت‌هایی اطلاق شد که نفوس پلید به آنها می پرداختند تا امور خارق‌العاده‌ای را پدید آورند و یا در مورد فن تاثیر در طبیعت به وسیله‌ی مراسم ویژه و طلسم‌ها و تعویض‌ها و ابزار و ادوات و داروها به کار رفت.

از این رو گفته‌اند جادو سرآغاز علم است، زیرا جادوگر که برخی از افعال را برای تاثیر در طبیعت انجام می دهد، معتقد است که پدیده‌های طبیعت پایبند قوانینی هستند، و اگر او از برخی تدبیرهای نهایی یا سری کمک بگیرد خواهد توانست جریان آن را تغییر دهد.

تفاوت جادوگر و دانشمند

تفاوت جادوگر و دانشمند در این است که دانشمند معتقد است نخواهد توانست در طبیعت تاثیر بگذارد مگر این که از قوانین آن پیروی کند، در حالی که جادوگر معتقد است با پرداختن به برخی افعال و احوال که امور خارق‌العاده‌ای را به بار می آورد می توان جریان رویدادها را تغییر داد و تفاوت جادو و دین در این است که جادو تاثیر در طبیعت را به کارهای نهایی و پوشیده‌ی جادوگر

همه‌ی انسان‌شناسان بر سر تعریف جادو اتفاق نظر دارند. جادو نوعی فن و مهارت است که نیروی فوق طبیعی غالباً مخوف را برای تامین منافع گروه به استخدام خود می گیرد



را کسب می‌کند. او ممکن است حتی آن را بدون علم به آن دارا باشد و در میان بعضی از قبایل، ویژگی‌های جادویی که معتقدند باعث تغییرات قابل تشخیص قطعی در سیستم‌های داخلی بدن می‌شود ممکن است در معاینه جسد مرده‌ای نیز دیده شوند.

یک فرد ناگهان بیمار می‌شود، برای انسان عامی تنها یک توضیح قابل قبول است که کسی او را سحر و جادو کرده است. چنین به نظر می‌رسد که او دقیقا علت بیماری فرد مریض را می‌داند و با هیبت به بیمار نگاه می‌کند. صورت و بدنش را رنگ کرده، و با خودش تصاویر مقدس و بسته‌های مرموز ساخته‌شده از پوست حیوانات که درونش اسباب و لوازم جادویی است را به همراه دارد. گیاهان مرموزی را اطراف بیمار می‌سوزاند. کلمات عجیبی را زمزمه می‌کند، بدن بیمار را پوشانده و با حالت دیوانه‌واری با سرعت خودش را لرزانده و می‌رقصد، هر کسی که در آن جا حضور دارد، احساس می‌کند که نیروی عجیبی از او جاری می‌شود و سرانجام هنگامی که او در پایان کار موضع درد را می‌مکد و کریستال کوارتزی از دهانش درست می‌کند، همه به این باور می‌رسند که او با مکیدن، بیماری را از بیمار دور کرده است.

بعضی از طبیبان ساحر اقرار کرده‌اند که می‌دانند کارشان نیرنگ و حيله‌بازی محض است، اما بعضی دیگر می‌گویند که اگرچه کارشان را با اعتماد چندانی شروع نکرده‌اند، اما بعد درمان‌ها و معالجات شگفت‌آوری را مشاهده کردند که خود به آن معتقد شده‌اند.

طیب ساحر کارش را با هیجان شدیدی همراه می‌کند و همچنان که خود را در کارش غرق می‌کند، شیطان یا روحی در او نفوذ می‌کند به گونه‌ای که خود به سختی می‌فهمد که در حال انجام چه کاری است. جادوگر همانند شخصی که در خواب راه می‌رود، به شکل سریعی به درمان بیمار می‌پردازد و زمانی که حباب کریستال ایجاد شد، حال مریض بهتر می‌شود، و به حالت عادی برمی‌گردد، و همه خوشحال و متشکرند.

بازار عالی جادوگران

امروزه در حالی که همه فکر می‌کردند که با پیشرفت‌های عظیم علم پزشکی، کم‌کم جادوگری و خرافات از زندگی مردم آفریقا کنار گذاشته خواهد شد، دولت آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۴ قانونی را تصویب کرد که باعث شد تا بازار جادوگران یا همان شفاهندگان سنتی آفریقایی بار دیگر به حد عالی خود برسد.

به موجب این قانون از این پس جادوگران نیز همانند پزشکان مجوز طبابت می‌گیرند و با گرفتن این مجوز می‌توانند برای خودشان دفتر و مطب راه بیندازند، تصویب این قانون باعث شده است تا ۲۰۰ هزار جادوگری که در حال حاضر در این کشور بی‌کار

را داریم، در جوامع اولیه، مردم آن قدر دلسرد می‌شدند که به راحتی از پا درآمده و می‌مردند. به راستی این مساله بوده که فردی با جادو کشته شود. البته با نیروی خودش! و ممکن است با همان وسیله نیز شفا یابد. ما امروزه اطلاعات کمی در مورد نیروهای خود شفا دهنده و خود زبان رساننده و قدرت پیشگیری داریم و می‌دانیم که این نیروها اثر می‌کنند، همچنان که طیب ساحر آنها را به کار می‌برد.

«جی.ار.گرافورد» در کتابش با عنوان «سحر و جادوگری در روزیا» نشان داده است که دو نوع جادوگر وجود دارد. یکی خبیث و روی هم‌رفته موجود نفرت‌انگیزی است که تنها در ذهن بومی‌ها وجود دارد و دیگری جادوگر یا متخصص در طلسم‌ها که مطمئنا تعدادشان بیشتر است. گاهی اوقات فرض شده که جادوگر به عنوان عامل اجتماعی موثری عمل کرده و می‌تواند از امور، خوب حمایت کند. «گرافورد» به این موضوع شک دارد و معتقد است که کار جادوگری بیشتر به معنی مثبت قرار دادن نظر عموم در برابر رقیب است، تا زنجیری برای رهبری ضداجتماعی.

جادو یک شغل یا پیشه موروثی است. شخص جادوگر یا آن را به ارث می‌برد یا خیلی به ندرت آن

می‌توان درک کرد که چرا جادو و علم هر دو چنین بر روح انسان اثر گذار بوده و برای تداوم بخشیدن به دانش خود چنین انگیزه‌های قدرتمندی به او داده‌اند.

جادوگر

جادوگر فرد نابغه‌ای است که شجاعت، انرژی و هوش زیادی دارد. او از حوادث اضطرابی فرار نمی‌کند، و برعکس با احساس قدرت زیادی به آنها روی آورده و با شایستگی با آنها روبه‌رو می‌شود. این عمل به تنهایی امید را گسترش داده و حس اطمینان را برمی‌انگیزد و به این ترتیب جادوگر در سراسر منطقه خود تلاش می‌کند تا به مردم کمک کند تا، در حادثه بعدی با اشتیاق خواستار حضور الهام‌بخش و دلگرم‌کننده او باشند. آیا واقعا یک جادوگر و یا طیب ساحر قادر هستند که معجزه کنند.

طیب ساحر

جادوگر شخص زبردستی است و در کارهایش، سحر و جادو در مرحله اول قرار دارد. این مطلب به راحتی قابل قبول است، اما آیا واقعا می‌تواند معجزه کند؟ آیا می‌تواند سلامتی را جایگزین بیماری کرده و یا مرده‌ای را زنده کند؟ علم روان‌تنی و درمان بیماری‌های مدرن به ما می‌آموزد که ما قدرت معالجه یا کشتن خود

جادوی سیاه



هستند به عمل طبابت بپردازند. به موجب این قانون از این به بعد جادوگران باید پیش از آن که تابلو طبابتشان را نصب کنند، مجوزی بگیرند که نشان می‌دهد آنها توانایی جادوگر شدن را دارند و تخلف از این قانون موجب می‌شود تا فرد خاطی جریمه شود.

آمارهای وزارت بهداشت آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که تقریباً ۷۰ درصد از جادوگران آفریقای جنوبی معتقد به خونخواری هستند و این به معنای آن است که آنها از خون و اجزای بدن انسان برای درمان بیماران استفاده می‌کنند. بیشتر جادوگران آفریقای جنوبی گیاهان سنتی استفاده می‌کنند که مفید بودن آنها به اثبات رسیده است و تعدادی از این گیاهان دارویی حتی توسط کمپانی‌های داروسازی اروپایی به عنوان ماده اولیه تولید داروهای شیمیایی استفاده می‌شوند. اما تعداد زیادی از جادوگران هم هستند که قطعاتی از بدن مردگان را به عنوان «افسون معجزه‌آسا» برای خوشبختی و موفقیت به مراجعه‌کنندگان و بیماران خود می‌دهند.

تعدادی از آنها نیز به بیماران خود توصیه می‌کنند که برای بهبود باید با یک دختر کم‌سن و سال آمیزش کنند که این مساله باعث می‌شود تا تجاوز به کودکان در آفریقای جنوبی آمار بسیار بالایی داشته باشد.

جادوی مثبت جادوی منفی

جادوی مثبت یا افسون می‌گوید «چنین کن تا چنان شود» جادوی منفی یا تابو می‌گوید «چنین نکن وگرنه چنان می‌شود». غرض جادوی مثبت یا افسون

بزند. این جا نیز تابو آشکارا از قانون مشابهت ناشی شده است. به همین صورت، در اغلب نقاط ایتالیای باستان نیز زنان طبق قانون حق نداشتند در معابر عمومی یا هنگام راه رفتن نخریسی کنند، یا حتی دوک نخریسی‌شان را نشان بدهند زیرا معتقد بودند که این عمل به محصول آسیب می‌زند. احتمالاً علت این بود که چرخش دوک سبب چرخش ساقه‌ی گندم می‌شود و نمی‌گذارد راست قد بکشد.

ایجاد نتیجه‌ای مطلوب است؛ غرض جادوی منفی یا تابو اجتناب از نتیجه‌ی نامطلوب است. اما عقیده بر این است که هر دو نتیجه، مطلوب و نامطلوب، بنا بر قوانین مشابهت و تماس رخ می‌دهند. و همچنان که نتیجه‌ی مطلوب در واقع با انجام مراسمی جادویی حاصل نمی‌شود، نتیجه‌ی بد نیز واقعاً از زیر پا گذاشتن تابو پدید نمی‌آید. در بین هوزول‌های کوه‌های کارپات همسر شکارچی نباید وقتی شوهرش در حال شکار کردن است نخریسی کند وگرنه شکار مثل دوک پیچ می‌خورد و می‌چرخد و شکارچی نمی‌تواند آن را

انواع جادو

جادوی سفید magie blanche

هدف این جادو، دور کردن ارواح خبیثه یا شفای اشخاصی است که قربانی آن بوده‌اند. بنابراین به عنوان ضداجتماعی نبوده و در جهت عکس «جادوی سیاه» عمل می‌کند.

جادوی سیاه magie noire

این جادو مدعی رام کردن ارواح خبیثه و نیروهای ماوراءالطبیعه‌ی بدیمن، برای تهیه وسایل بنگاه‌های آدم‌کشی است. همه‌ی جوامع این نوع جادو را از جادوی سفید تفکیک کرده، آن را محکوم می‌کنند.

جادوی مهر و محبت

sympathique magie

این مفهوم که به وسیله جیمس فریزر و مارسل مس رایج شده و عمومیت یافته است، در بین فنون جادویی مختلف برای تشخیص فنی به کار می‌رود که مانند پزشکی قدیم برتشابه بین هدف و وسیله‌ی معالجه استوار بوده است. یعنی پیروی از این اصل می‌کرده که: «هر چیز نظیر خود را خواهد ساخت» و یا به عبارتی، هر چیز را با مشابه‌ی خودش معالجه می‌کنند و مثلاً باید گفت، زهر خورده با زهر درمان می‌شود. تقریباً مترادف آن «جادوی مسری magie par contagion» است.



جادوی بدلی و ساری